

من اینگونه روزگار می گذرانم

نویسنده:

مریم خدادادزاده

www.ketab.ir

سرشناسه: خدادادزاده، مریم، ۱۳۵۳-

عنوان و نام پدیدآور: من اینگونه روزگار می گذرانم/نویسنده مریم خدادادزاده؛ ویراستار ابوالفضل سامانلو.

مشخصات نشر: قم: افروغ، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۵۲ ص: ۵/۲۱×۱۴ س.م.

شابک: ۶۹۰۰۰۰ ریال 5-21-8048-622-978

موضوع: قطعه‌های ادبی فارسی-- قرن ۱۵

Literary passages, Persian -- 21st century

رده بندی کنگره: PIR۸۳۴۲:

رده بندی دیویی: ۸۶۲/۸۸۸

شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۸۶۸۰۲



عنوان: من اینگونه روزگار می گذرانم
تألیف: مریم خدادادزاده
ویراستار: ابوالفضل سامانلو
ناشر: افروغ
شابک: ۹۷۸۶۲۲۸۰۴۸۲۱۵
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۱۰۰ جلد
قیمت: ۶۹۰۰۰۰ ریال

انتشارات افروغ: قم- میدان امام- خیابان کارگر- شهرک فاطمیه- بعثت ۲۲ پ ۲۰۳ تلفن:

۰۹۱۲۷۵۳۴۶۸۳-۰۹۳۳۳۰۳۸۶۹۰

فهرست

- ۷ تقدیم به
- ۸ مقدمه
- ۹ خوشحالی گنجشک کوچک
- ۱۰ نفسی از سر آسودگی
- ۱۱ ماهی کوچک چشم‌هایت
- ۱۲ رایحه‌ی وجود
- ۱۳ سرانگشت مهربانی
- ۱۴ حس بی‌نظیر آرامش
- ۱۵ بوی نسترن!
- ۱۶ این لحظه را زندگی کن
- ۱۷ خورشید در چشم‌های مرد می‌درخشید
- ۱۸ غرق در زندگی!
- ۱۹ من قطره‌ای از توأم
- ۲۰ هدیه‌ی زندگی به خود
- ۲۱ حس خوب زیستن
- ۲۲ قدری برایم فراموشی بخر!
- ۲۳ چتر نیاز نیست!
- ۲۴ نقاشی دل‌تنگی
- ۲۵ می‌خواهم تمام شوم
- ۲۶ گمشده
- ۲۷ من نه غریب می‌گویم
- ۲۸ مرا یاد کن

- ۲۹ بوی یاس
- ۳۰ تکرار زندگی
- ۳۱ سفر به دوردست‌های عاشقی
- ۳۲ پیچک باغ سبب
- ۳۳ من تصویری از خوشحالی ماشین‌های روبرویم ندارم
- ۳۴ من این‌گونه روزگار می‌گذرانم
- ۳۵ مزرعه‌ی آفتاب‌گردان شاه ولی
- ۳۷ او را دوست دارم قد همه دنیا
- ۳۸ لختی اینجا بیاسای
- ۴۰ دوست داشتن من
- ۴۱ با هر نفسی تو می‌توانی پرواز کنی
- ۴۲ کاش کوچه‌های خاطره‌ساز نبودند
- ۴۳ کاش می‌شد دل‌تنگی‌ها را به آبی دریا سپرد
- ۴۴ یافتن آرامش و عشق
- ۴۵ کلمات را می‌گویم
- ۴۶ خوشبختی بزرگ
- ۴۷ و تو ای دوست بیا
- ۴۸ تو را جستجو می‌کنم
- ۴۹ چقدر دوستت دارم
- ۵۰ انعکاس خنده
- ۵۱ یاد و خاطره‌ی دوست
- ۵۲ کاش من یا کریم خانه‌ی تو بودم

مقدمه

دنیای واژه‌ها دنیای غریبی است. تو می‌توانی در چشم بر هم زدن
بر بال واژه‌ای سوار شوی و در کسری از ثانیه تا اوج آسمانی که انتهای ندارد
پرواز کنی.

می‌توانی سفر کنی. در زمستان باشی اما در بهار باشی و از بوی
شکوفه‌های درخت به باغچه خانه مادر بزرگ مست شوی. می‌توانی در بهار
باشی اما با سحر واژه‌ها در پاییز باشی و روی فرش هزار رنگ برگ‌های
پائیزی خودت را مهمان یک فنجان چای قندپهلوی کنی.

من در مهمانی واژه‌هایی که صمیمانه کنار هم قرار دادم، جرعه‌ای
عشق و آرامش پیشکش شما دوست عزیزم می‌کنم.

بفرماید